



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

در جست وجوی فدک

محمداسین پوراسینی



۱۰۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رهنمای ۱۰۶ (در جستجوی فدک)

نویسنده:

محمد امین پورامینی

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	رهنمای ۱۰۶ (در جستجوی فدک)
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۳	در جست و جوی فدک
۱۵	درآمد
۱۷	فصل اول: محدوده و مالکیت آن
۱۷	اشاره
۲۰	پنجره:
۲۳	خلاصه
۲۳	فصل دوم چرا فدک در اختیار فاطمه (س) قرار گرفت؟
۲۳	اشاره
۲۷	خلاصه:
۲۹	فصل سوم: غصب فدک، چرا؟
۲۹	اشاره
۳۲	پنجره:
۳۴	خلاصه:
۳۵	فصل چهارم: گام های استوار برای احقاق حق
۳۵	اشاره
۳۷	پنجره:
۴۲	خلاصه:
۴۳	فصل پنجم: جعل حدیث برای توجیه غصب فدک
۴۳	اشاره
۴۵	پنجره:

۴۷ پنجره:

۵۱ خلاصه:

۵۳ فصل ششم: سرنوشت فدک

۵۳ اشاره

۵۵ پنجره:

۵۸ خلاصه:

۵۹ فصل هفتم: خطبه فدکیه و راز تکیه بر فدک

۵۹ اشاره

۶۳ پنجره:

۶۵ خلاصه:

۶۶ سخن آخر

۷۱ درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: پورامینی، محمدامین، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور: در جستجوی فدک / محمدامین پورامینی؛ تهیه معاونت تبلیغاتی و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی.

مشخصات نشر: مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۲۴ ص.؛ ۱۱ × ۱۷ س.م.

فروست: ... رهنما؛ ۱۰۶.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۹-۱۴۰-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق.. خطبه فدک

موضوع: فدک (عربستان سعودی)

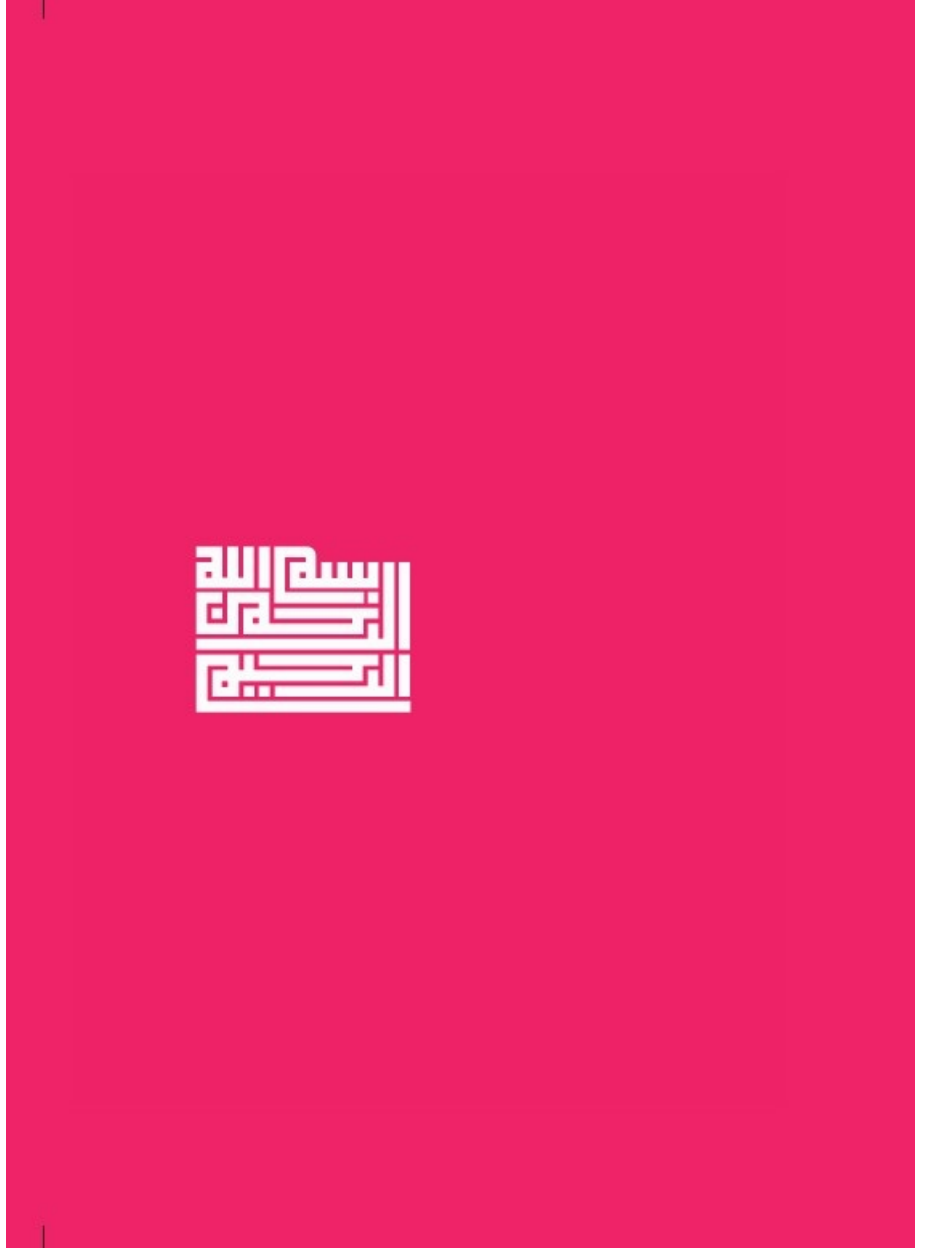
شناسه افزوده: آستان قدس رضوی

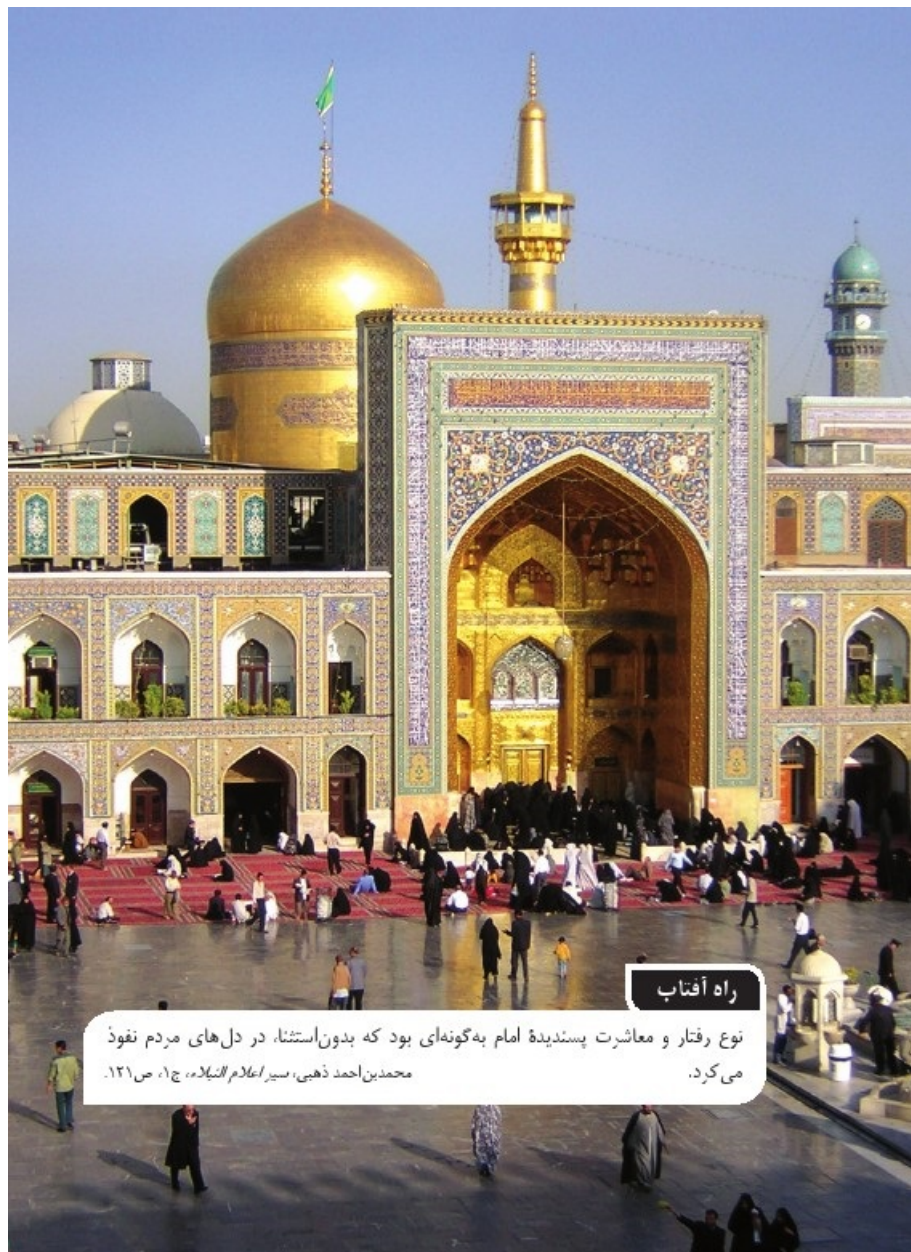
شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

رده بندی کنگره: BP۲۷/۲۵ پ/۴۸۶ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۴۶۶۴۷





راه آفتاب

نوع رفتار و معاشرت پسندیده امام به گونه‌ای بود که بدون استثنا، در دل‌های مردم نفوذ می‌کرد.
محمد بن احمد ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۱۲۶.

در جست و جوی فدک

محمد امین پورامینی

در جست و جوی فدک

? دریچه

در این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش‌هاییم:

۱. فدک چیست؟

۲. محدوده فدک کجاست؟

۳. علت تأکید و تکیه بر مسئله فدک چیست؟

۴. موضع حضرت فاطمه زهرا □ چیست؟

۵. موضع غضبکندگان فدک کدام است؟

۶. تأثیر کلامی، فقهی این بحث چیست؟

۷. علت استمرار این بحث و موج آفرینی درباره آن چیست؟

۸. بازتاب مسئله فدک چیست؟

ص: ۷

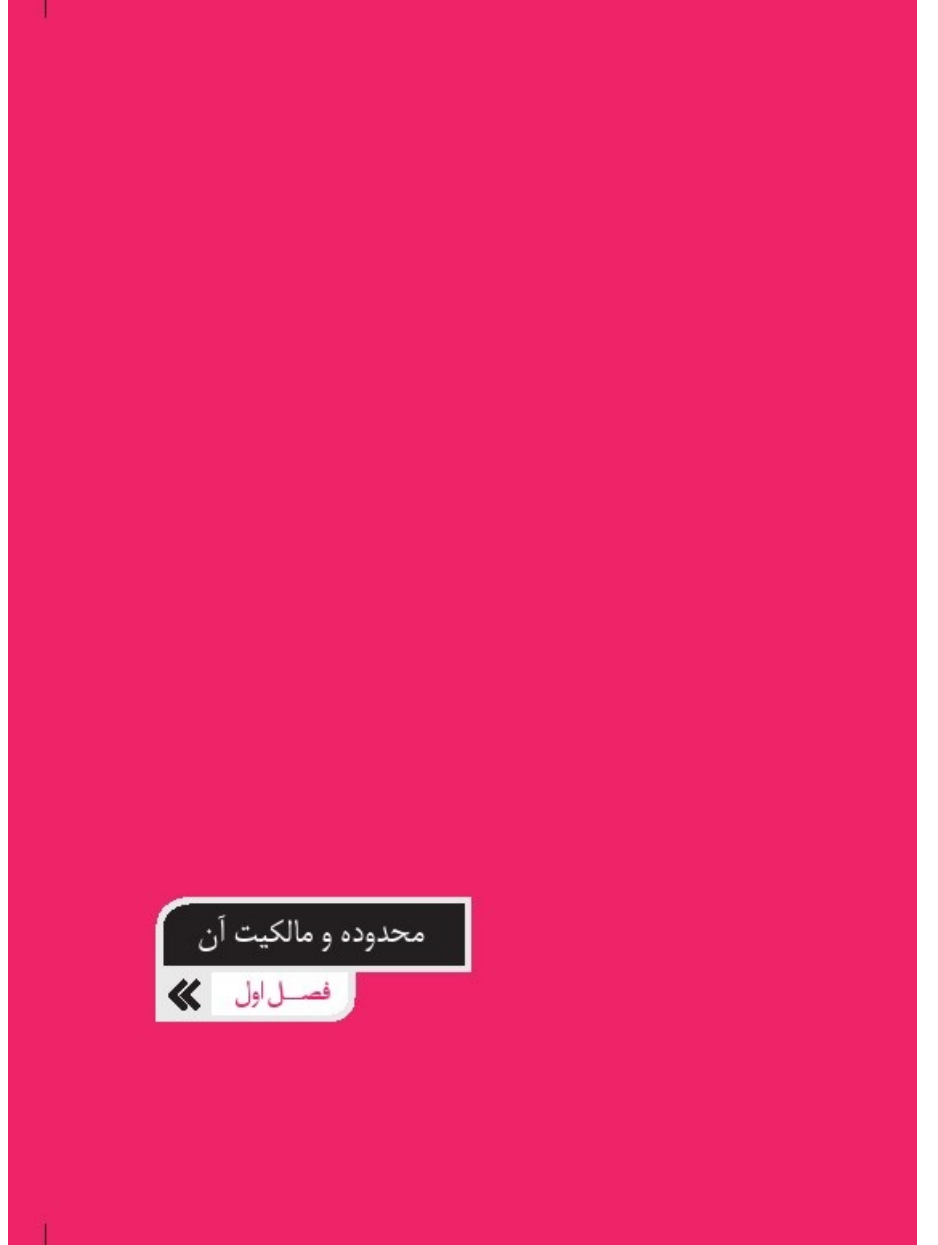


برخی، ساده اندیشانه گمان می کنند فدک فقط باغی بوده است در دست حضرت زهرا که بعدها تصرف و غصب شده است. از نظر آنان، این قضیه تمام شده و رفته است! آنان باید بدانند قضیه بسیار عمیق تر و فراتر از این است. بحث از فدک، بحث از زمین غصب شده نیست؛ فدک نماد خلافت حقه و امامت است؛ فدک فراتر از تکه ای زمین است؛ فدک آینه تمام نمای ولایت است. غصب فدک یعنی غصب خلافت و تهی ساختن منبع مالی تشکیلات امامت حقه. تکیه فاطمه زهرا و اهل بیت بر فدک، تکیه بر خلافت راستین و روشنگری امت برای یافتن راه سعادت خویش است. این سعادت تنها در پرتو امامت امامان معصوم به دست می آید.

در مسئله فدک علاوه بر مطالبه حق، روشن می شود که مدعیان خلافت، به احکام ضروری اسلام نادان اند. همچنین در این ماجرا، با ایراد خطبه فدکیه، راه آینده ترسیم شد: سعادت امت اسلام در گرو بازگرداندن خلافت به مسیر اصلی و راهی است که خداوند آن را ترسیم کرده است.

ممکن است گفته شود آیا طرح این مسائل مخالف وحدت اسلامی

نیست؟ در جواب می‌گوییم بدون شک وحدت امت اسلام ضروری و بدیهی است؛ ولی مقصود از وحدت، دست برداشتن از عقاید حق و ترک واکاوی و پژوهش در مسائل کلامی و تاریخی و سیاسی نیست؛ بلکه مقصود این است که در عین اختلاف دیدگاه و حفظ باورهای درست، با تکیه بر نقاط مشترک فراوانی که با برادران اهل سنت داریم، با فهم صحیح از مبانی یکدیگر، در برابر دشمن مشترکی که نه به سنی رحم می‌کند و نه به شیعه، موضعی مشترک و مناسب و همسو بگیریم. منظور از وحدت این است که با شناخت دشمنی که امروز در آمریکا و صهیونیسم جهانی متجلی است، دوست را از دشمن تشخیص دهیم و سلاح خود را به سوی دشمن مشترک نشانه بگیریم. اما طرح این گونه مباحث، در محیطی سالم و علمی، و به دور از اهانت به یکدیگر و به منظور کشف حقیقت، اشکالی ندارد.



محدوده و مالکیت آن

« فصل اول



فدک منطقه آبادی واقع در یک منزلی خیبر بوده است. ساکنان این منطقه پس از جنگ خیبر، با پیغمبر پیمان صلح بستند و فدک از آن پیغمبر شد. پس از این پیمان، یهودیان این منطقه در موضع ضعف قرار گرفتند و دیدند از پس جنگ با رسول خدا و مسلمانان بر نمی آیند؛ از این رو برای حفظ جان خود، از در صلح با پیامبر درآمدند. بدین ترتیب آنجا در اختیار پیامبر قرار گرفت و رسول خدا به دستور خداوند آن را به دخترش فاطمه بخشید.

طبق مسئله ای فقهی، اگر مسلمانان در جایی بچنگند، غنائم به دست آمده از آن هم برای ایشان است و آن را بین خود تقسیم می کنند. اما گاهی رویارویی با دشمن به جنگ منجر نمی شود؛ مثل اینکه دشمن خود را در موضع ضعف ببیند و برای حفظ جان و منافع و امنیت خود، از جنگ دست بردارد و با مصالحه، از سرزمین خود بیرون رود. در این حالت که سرزمین، بدون جنگ به دست مسلمانان می افتد، غنائم بین مسلمانان تقسیم نمی شود و در مالکیت عموم مسلمانان نخواهد بود؛ بلکه در ملک شخص رسول خداست و ایشان هرگونه که صلاح بدانند، در آن تصرف می کند.

این مطلب را بزرگان شیعه و سنی آورده اند. از جمله فقیهان اهل سنت که تصریح کرده اند فدک از آن شخص رسول خدا بوده است، ابوبکر کاشانی در کتاب بدائع الصنائع (۱)، و سرخسی در کتاب المبسوط (۲) است. همچنین ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه نقل می کند که فدک ملک شخص رسول خدا بود و مسلمانان در آن هیچ بهره ای ندارند؛ چون برای آن، جنگی واقع نشده است. (۳) همچنین سیوطی نیز در الدر المنثور (۴) تصریح می کند که فدک به شخص پیامبر متعلق بوده است؛ چون برای تصاحب آن جنگی نشده است. بلاذری نیز در فتوح البلدان این مطلب را آورده است. (۵)

پنجره:

ماجرای فدک ریشه قرآنی دارد. اصل جریان، به عقب نشینی یهود بنی نضیر بر می گردد، در سوره حشر آمده است: «و

ما أفاء الله على رسوله منهم فما أوجفتم عليه من خيل ولا ركابٍ ولكن الله يسلط رسله على من يشاء والله على كل شيء قدير» (۶) (آنچه خدا از دارایی شان (یهودیان) به پیامبر

ص: ۱۴

- ۱- . بدائع الصنائع، ج ۷، ص ۱۱۶.
- ۲- . سرخسی، المبسوط، ج ۱۲، ص ۲۹.
- ۳- . شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۰.
- ۴- . الدر المنثور، ج ۸، ص ۹۹.
- ۵- . فتوح البلدان، ج ۱، ص ۳۴، شماره ۱۰۷ و ص ۳۶، شماره ۱۱۶ و ۱۱۷ و ص ۳۷، شماره ۱۱۹.
- ۶- . حشر، ۶.

خود غنیمت داد، آن نبود که شما با اسب یا شتری بر آن تاخته بودید؛ بلکه خدا پیامبرانش را بر هر که بخواهد، مسلط می سازد و خدا بر هر چیزی قادر است.)

«ما أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ» اشاره به این دارد که شما مسلمانان برای به دست آوردن آن به کارزار نرفتید؛ نه اسبی بر آن تاختید و نه شتری برای آن به کار گرفتید و برای کسب آن متحمل زحمتی نشدید. اینجا هیبت رسول خدا کارگر شد و ترسی که از ایشان در دل یهودیان افتاده بود. آن ها با پذیرش مصالحه، دست از جنگ شستند و مناطق خویش را رها کردند. از این رو، آن ملک، به حکم قرآن، ملک شخص پیامبر است.

بدین گونه، فدک در اختیار رسول خدا قرار گرفته و به ملکیت شخص وی درآمده است و مسلمانان را در آن بهره ای نیست. از این رو مفسران بزرگ شیعه (۱) و اهل سنت (۲) تصریح می کنند که چون مسلمانان برای آن زحمتی نکشیدند و شخصیت رسول خدا کارگر شد و با ترسی که خدا از آن حضرت در دل یهودیان بنی نضیر نهاد، ایشان خانه ها و

ص: ۱۵

-
- ۱- . نک: التبیان، ج ۹، ص ۵۴۶؛ مجمع البیان، ج ۹، ص ۴۳۱؛ المیزان، ج ۱۹، ص ۲۰۳.
 - ۲- . نک: شافعی، احکام القرآن، ج ۱، ص ۱۵۳؛ طبری، جامع البیان، ج ۲۸، ص ۴۵ و ۵۰؛ تفسیر الثعلبی، ج ۹، ص ۲۷۲ و ۲۷۳؛ تفسیر السمعانی، ج ۵، ص ۳۹۹؛ تفسیر البغوی، ج ۴، ص ۳۱۷؛ ابن عربی، احکام القرآن، ج ۲، ص ۴۰۷؛ ابن جوزی، زاد المسیر، ج ۷، ص ۳۳۶؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۱۸۹؛ تفسیر الآلوسی، ج ۲۸، ص ۴۴ و ۵۶.

املاک خود را وانهادند، و این گونه مناطق آزادشده را «فیء» می نامند. فیء یعنی چیزی که در آن، بازگشت به سوی پیامبر است و از انفال است و به پیامبر اختصاص دارد و ملک شخص او شده است و هرگونه که خود بخواهد، در آن تصرف می کند. علت آن هم همین است که مسلمانان در آزادسازی آن نقشی نداشته و رنجی تحمل نکرده اند. این به خلاف غنیمت جنگی است که در کارزار به دست مسلمانان می افتد: چون خود برای به دست آوردن آن نقش آفرینی کرده اند و رنج جنگ را به جان خریده اند، غنائم جنگی مربوط به خود ایشان خواهد بود. پس فیء معنایی غیر از غنیمت دارد.

منطقه فدک بزرگ بود و با مدینه منوره، به اندازه دو تا سه روز فاصله داشت. این منطقه اکنون نیز وجود دارد و گفته می شود حدود ۱۴۰ کیلومتر تا مدینه فاصله دارد.

فدک منطقه ای آباد در یک منزلی خیر بود در اختیار یهودیان. پس از جنگ خیر که یهودیان خود را در موضع ضعف دیدند، از در صلح با رسول خدا صلی الله علیه و آله در آمدند. بنا بر حکم قرآنی و مستند فقهی، هر جایی که بدون جنگ و خون ریزی به دست آید، در ملکیت رسول خداست. گفته می شود اکنون فدک در ۱۴۰ کیلومتری مدینه منوره قرار دارد.

فصل دوم چرا فدک در اختیار فاطمه (س) قرار گرفت؟

اشاره

تصویر



چرا فدک در اختیار فاطمه علیها السلام قرار گرفت؟

فصل دوم



واگذاری فدک به فاطمه زهرا نیز ریشه قرآنی دارد: پس از آنکه فدک در ملکیت شخص رسول خدا قرار گرفت، این آیه شریفه نازل شد: «وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ» (۱) (حق خویشان خود را بده). این دستور، دستوری کلی است. خویشان و نزدیکان پیامبر زیاد بودند: دختر رسول خدا و همسران و دیگر بستگان پیامبر. مقصود کدام یک از خویشان است؟ رسول خدا خود سؤال کرد مقصود و منظور کیست؟ جبرئیل رفت و پرسید و باز آمد و گفت: «خدایت سلام می رساند و می فرماید: فدک را به فاطمه بده.» پس از آن بود که رسول خدا فدک را به فاطمه زهرا داد.

این، مطلبی است که شیعه و سنی آن را نقل کرده اند. نزد شیعه که واضح است؛ نزد اهل سنت نیز بزرگانی چون ابوالسعود، (۲) فخر رازی، (۳) زمخشری (۴) و جلال الدین سیوطی در ذیل آیه شریفه «وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى

ص: ۱۹

۱- . اسراء، ۲۶.

۲- . تفسیر ابی السعود، ج ۵، ص ۱۵۴.

۳- . التفسیر الکبیر، ج ۲، ص ۱۴۵.

۴- . الکشاف، ج ۲، ص ۶۴۶.

حَقَّه» (۱) آن را آورده اند.

سیوطی شافعی از ابوسعید خدری نقل می کند: وقتی آیه «وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّه» (۲) نازل شد، رسول خدا، فاطمه را فرا خواند و فدک را به او داد. (۳) همچنین احمد بن المهدی حسنی ادریسی (۴) آن را در همین باره آورده است. با کمی دقت در این مطالب که در کتاب های همه مسلمانان آمده است، علت واگذاری فدک به فاطمه زهرا را درمی یابیم.

بنابراین، رسول خدا با دستور خداوند: «وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّه» (۵) فدک را به فاطمه زهرا بخشید و به ملکیت آن حضرت درآورد تا در واقع پشتوانه مالی و اقتصادی مهمی برای وی باشد. بدین گونه، فدک در در دوره رسول خدا در اختیار فاطمه زهرا قرار گرفت. آن حضرت نیز افرادی را وکیل و گماشته و کارگر قرار داد و آنان در آن زمین به کار مشغول شدند.

در ادامه، می بینیم که ماجرای غصب فدک، کم کم رنگ تاریخی و سیاسی و فقهی به خود گرفت.

ص: ۲۰

۱- . اسراء، ۲۶.

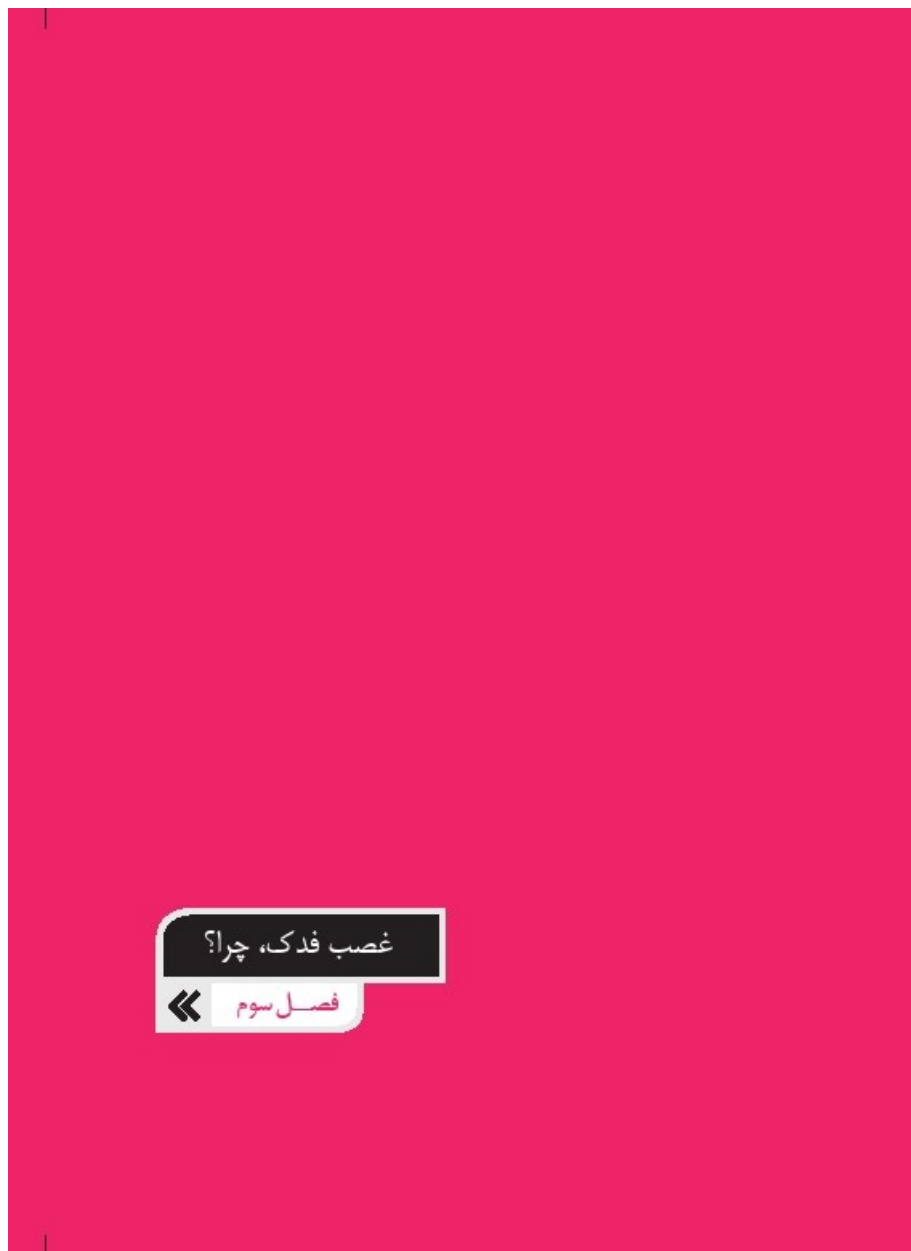
۲- . اسراء، ۲۶.

۳- . الدر المنثور، ج ۴، ص ۱۷۷.

۴- . تفسیر البحر المدید، ج ۷، ص ۲۰۳.

۵- . اسراء، ۲۶.

پس از اینکه فدک به ملکیت شخص رسول خدا درآمد، آیه (وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ) نازل شد. طبق این آیه، رسول خدا مأموریت یافت فدک را به فاطمه زهرا دهد و این کار انجام شد.



غصب فدک، چرا؟

« فصل سوم



رسول خدا از دار دنیا رفت و متأسفانه خلافت مسیر اصلی ترسیم شده خود را فراموش کرد و کسانی دیگر بر مسند قدرت نشستند. این ماجرای بسیار تلخ، به تدریج مسلمانان را گرفتار و جهان بشریت را از برخورداری کامل این نعمت محروم ساخت. امام ابو حامد غزالی که از بزرگان اهل سنت و صاحب کتاب معروف احیاء العلوم است، ریشه این انحراف را در دنیاخواهی و ریاست طلبی و پیروی از خواسته ها و شهوات نفسانی می داند. او در رساله سر العالمین می نویسد: «در روز عید غدیر، هیچدهم ذی الحجه که رسول خدا فرمود: 'من کنت مولاه فهذا علی مولاه' عمرین خطاب آمد و به وی تبریک گفت که 'ای ابوالحسن، تو مولای همه شدی.' این به معنای تسلیم و حکم پذیری است. اما پس از آن، بر اثر ریاست طلبی، هوای نفس چیره شد.»^(۱) این، سخن شخصیتی بزرگ از اهل سنت است که بحق سخن گفته است و به حق اعتراف کرده و واقعیت را بسیار زیبا بیان کرده است. او روز غدیر را عید یاد کرده است.

البته در آن مقطع تاریخی، وظیفه امیر مؤمنان سکوت و صبر بود

ص: ۲۵

۱- . مجموعه رسائل الامام الغزالی، رساله «سر العالمین و کشف ما فی الدارین»، ص ۴۸۳.

. صبر عجیب علی بن ابی طالب، برای حفظ اصل اسلام بود؛ چون در غیر این صورت، جنگ و فتنه داخلی اتفاق می افتاد. چنین جنگی در آن وضعیت خاص تاریخی، موجب ازهم گسیختگی جامعه نوپای اسلامی می شد و تمام زحمات رسول خدا هدر می رفت. در آن زمان، هنوز اسلام در جان های مردم ریشه ندوانده بود. ازاین روست که امیرمؤمنان به افرادی چون ابوسفیان که پیشنهاد یاری رسانی کرده بودند، جواب منفی داد؛ چون نیت شوم و ننگین آن ها را می دانست.

پنجره:

گسترش کمی اسلام در دو سال آخر زندگانی رسول خدا و از عام الفتح در سال هشتم هجری، اتفاق افتاده بود. این مدت، بسیار کوتاه بود. ازاین رو امیرمؤمنان در ماجراهای دردناک پس از رسول خدا صبر پیشه کرد؛ چون وظیفه، حفظ این ریشه بود تا به مرور زمان، با برخورداری از معارف اصلی، رشد یابد و در این سیر، حق از باطل جدا و تمیز داده شود، و سپس ادامه یابد. این مهم بر دوش امیرمؤمنان علی بود.

بلی، اگر یاری رسانان در همان روزهای اول به وظیفه خود عمل می کردند، صحنه سیاسی اجتماعی به گونه ای دیگر رقم می خورد. ازاین روست که حضرت چاره ای جز صبر و استقامت نداشت؛ آن هم چه

صبری، فرمود: «فَصَبْرٌ وَفِي الْعَيْنِ قَدْرٌ وَفِي الْحَلْقِ شَجَاءٌ» (۱) (صبر کردم، درحالی که استخوان در گلو و خار در چشم داشتم). حضرت باید صبر می کرد تا امروز حقایق، حفظ و منتشر شده و خط علوی که همان خط نبوی است از خط اموی جدا شود.

به هر حال خلافت غصب شد. پس از آن، حاکمان به فکر افتادند منبع مالی را نیز قطع کنند تا امامت، بدون پشتوانه مالی باشد. فدک به قدری درآمد داشت که جواب گوی بسیاری از نیازهای آن دوره بود؛ بنابراین، عالمانه مسیر را کشف کردند و پس از غصب خلافت، فدک را به زور ستاندند. بنابراین، انگیزه اساسی غصب فدک، سیاسی بوده است.

حال باید دید چگونه فدک را ستاندند و آن را غصب کردند: آنان کارگران و گماشتگان فاطمه زهرا را از آن زمین بیرون کردند. سپس دستگاه حکومتی بر آن دست گذاشت. اینجا جای مطالبه و احقاق حق بود. آن کسی که میدان دار بود، فاطمه زهرا بود. نقش آفرینی آن حضرت حیرت آور است. آن بانو چه کرد؟ بازتاب کار بزرگ او تا به کجا بود؟ ابعاد گوناگون زندگانی آن بزرگوار بسیار گسترده و درس آموز است. (۲)

ص: ۲۷

۱- نهج البلاغه، خطبه ۳ (شششقه).

۲- او در دفاع از حریم رسالت، یاور پدر بزرگوار خود در مکه و مدینه بود. در مکه با اینکه خردسال بود، در مسجدالحرام از پدر دفاع کرد. در مدینه، در جنگ های احد و خندق کمک پدر بود. پس از فقدان پدر، بزرگ مدافع حریم ولایت شد. نقش برجسته سیاسی آن حضرت در مقابله با دستگاه حاکم با فراخوانی یاران برای یاری رسانی به اول مظلوم عالم، علی بن ابی طالب آغاز و پس از غصب فدک پررنگ تر شد.

کاری که فاطمه زهرا در آن مقطع حساس تاریخی انجام داد، از عهده هیچ کس جز وی بر نمی آمد.

خلاصه:

پس از غصب خلافت، فدک نیز غصب شد تا امامت حقه در فشار اقتصادی باشد.

ص: ۲۸



گام های استوار برای احقاق حق

« فصل چهارم



فاطمه زهرا برای احقاق حق خویش به پا خاست. آن حضرت این کار در چند مرحله انجام داد:

در ابتدا با عنوان اینکه «اینجا ملک من است» طرح دعوا کرد که رسول خدا فدک را به وی بخشیده است. این بخشش را اصطلاحاً نحله می گویند. پس از آنکه این مطلب را غصب کنندگان نپذیرفتند، فاطمه زهرا حقش را با عنوان ارث مجدداً مطالبه کرد.

پنجره:

چرا فاطمه زهرا حق خود را به دو گونه مطالبه کرد: یک بار به عنوان هبه و نحله و یک بار به عنوان ارث؟ بین این دو تناقض نیست؛ چون وی وقتی مطالبه میراث کرد که ادعای مالکیتش به عنوان اینکه فدک هبه رسول خدا به اوست، پذیرفته نشده بود. بنابراین، آن حضرت درخواستش را در دو مرحله مطرح کرد؛ نه در یک مرحله.

باید دانست که ارث بری به معنای بقای ملکیت رسول خدا بر اموال خویش تا لحظه وفاتش است؛ حال آنکه

در فرض نحلّه، قطع ملکیت واهب (رسول خدا) و اثبات ملکیت موهوب لها (فاطمه زهرا) مطرح است. نکته مطلب در همین است: طرح دعوی ارث از سوی فاطمه زهرا، در مرحله دوم و پس از رد ادعای مالکیت بود.

فاطمه زهرا در مرحله اول، مالکیت خویش را مطرح ساخت. اینجا مسئله ای شرعی و بلکه عقلی و عرفی مطرح است: به حسب قاعده، انسان مالک چیزی است که در اختیار اوست. از این فرد با عنوان ذوالید یاد می کنند. مثلاً از کسی که ساعتی در دست دارد، نمی خواهند دلیلی بر مالک بودن خویش بر ساعتش ارائه کند. اگر کس دیگری بیاید و ادعا کند که این ساعت از آن اوست، خود او باید برای ادعایش دلیل بیاورد. اینجا است که می گویند: «الْبَيِّنَةُ عَلَى الْمُدَّعِي وَالْيَمِينُ عَلَى الْمُدَّعَى عَلَيْهِ (من أنکر)»^(۱). یعنی ادعا کننده باید برای ادعای خویش دلیل و بینه بیاورد و مدعی علیه (منکر)

تنها قسم یاد می کند. این حکم، همه جا پذیرفته شده است.

در قضیه فدک، این زمین در دسترس فاطمه زهرا و در تصرف آن حضرت قرار داشت؛ بنابراین او مدعی نبود. وی در حال بهره برداری

ص: ۳۲

۱- . نک: الکافی، ج ۷، ص ۳۶۱، ۴۱۵؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۲ و ۶۵؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۲۹ و ج ۱۰، ص ۱۶۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۴۳ و ج ۲۷، ص ۲۲۳؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۲۵، ص ۵۶ و ۵۳؛ صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۴۶؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۷۷۸؛ سنن الترمذی، ج ۲، ص ۳۹۸، ۳۹۹.

از زمین بود و کارگروهایش هم مشغول کار بودند. پس کسی نباید از آن حضرت دلیلی می خواست. آن کسی که این مالکیت را زیر سؤال برد، مدعی بود. او باید بینه اقامه کرده و دلیل عرضه می کرد. ولی دستگاه حکومتی به عکس عمل کرد. زمین را از کسی که آنجا را در تصرف خود داشت، ستاند و غصب کرد و از مالک آن، دلیل و بینه مطالبه کرد!

بنابراین، اصل درخواست اقامه بینه از فاطمه زهرا بر خلاف ضروری فقه است. کسانی که فدک را غصب کردند، اگر حکم را نمی دانستند که جهل و نادانی خود را اثبات کرده اند و آن خود مصیبتی است، اگر هم دانسته عمل کردند، مصیبت بزرگ تر است. (۱)

حضرت فاطمه از باب مماشات و برای احقاق حق، ناچار شد دلیل بیاورد. او چند شاهد آورد: امیرمؤمنان علی بن ابی طالب، امام حسن، امام حسین و ام ایمن. ولی باز بهانه آوردند که گواهی دادن اینان را نپذیرفتند. شگفتا که شهادت چهار تن از افراد آیه تطهیر پذیرفته نشد. گفتند شهادت علی پذیرفته نیست؛ چون او شوهر فاطمه است و این شهادت به نفع اوست. (۲) حسنین هم فرزندانش هستند و شهادتشان به نفع او تمام می شود. ام ایمن هم زن است و شهادت پذیرفتنی نیست! (۳)

ص: ۳۳

۱- . إن كنت تدری فتلك مصیبه، و إن كنت لا تدری فالمصیبه أعظم.

۲- . شیخ مفید، حدیث نحن معاشر الانبیاء لا نورث، ص ۲۷؛ علامه حلی، نهج الحق، ص ۲۷۰؛ سیدبن طاووس، الطرائف، ص ۲۵۳.

۳- . همان.

علی بن ابی طالب به حکم آیه مباهله (۱) نفس و جان رسول خدا بوده و کسی است که رسول خدا در حق او فرمود: «علی با حق است و حق با علی.» (۲) و فرمود: «علی از من است و من از علی.» (۳) و جابرین عبدالله انصاری (۴) و ابوسعید خدری، یاران جلیل القدر پیامبر درباره اش گفتند: «در دوره رسول خدا، راه شناسایی منافقان، وجود بغض و کینه ایشان به علی بن ابی طالب بود.» (۵) آیا کلام چنین کسی کافی نبوده و شهادتش پذیرفتنی نیست؟ از فاطمه درخواست شهود و دلیل کردند

و سخنش را پذیرفتند که عایشه درباره اش می گوید: «کسی را پس از رسول خدا راست گوتر از فاطمه نیافتم» (۶) و کسی که صدیقه است و از اصحاب کسا و از افراد و مصادیق آیه تطهیر (۷) و از افراد آیه مباهله؟ (۸)

ص: ۳۴

۱- آل عمران، ۶۱.

۲- «علی مع الحق و الحق مع علی» (نک: تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۳۲۲؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۴۴۹).

۳- «علی منی و أنا منه» (نک: مسند الامام أحمد، ج ۴، ص ۱۶۴ و ۱۶۵؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۴؛ سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۰۰؛ نسائی، فضائل الصحابه، ص ۱۵؛ مصنف ابن ابی شیبه، ج ۷، ص ۴۹۵ و ۵۰۴؛ نسائی، السنن الکبری، ج ۵، ص ۴۵ و ۱۲۶؛ مسند ابی یعلی، ج ۱، ص ۲۹۳؛ طبرانی، المعجم الکبیر ج ۴، ص ۱۶؛ الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۷۷؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۳، ج ۱۳، ص ۱۴۲).

۴- طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۲، ص ۳۲۸؛ ابن عبد البر، الاستذکار، ج ۸، ص ۴۴۶.

۵- ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۸۵.

۶- محب الدین طبری، ذخائر العقبی، ص ۴۴؛ ابن عبد البر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۹۷؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۳۱.

۷- احزاب، ۳۳.

۸- آل عمران، ۶۱.

شهادت حسن و حسینی پذیرفته نیست که رسول خدا در حقشان فرمود: «سرور جوانان بهشت اند.» (۱) طبق روایات همه مسلمانان، رسول خدا در حق ام ایمن فرمود: «او از اهل بهشت است.» (۲) و از این رو درباره وی گفته اند: «المبشره بالجنة» یعنی کسی که بشارت بهشت به او داده شده است. آیا شهادت او پذیرفته نیست؟ پس غصب کنندگان، راه پذیرفتن شهادت را نیز بستند.

در مرحله بعد فاطمه زهرا خواسته خود را به گونه دیگر مطرح ساخت؛ چون در اینجا مسئله احقاق حق و مبارزه با بدعت در دین و دفاع از حریم امامت و مبارزه با غاصبان و ستمکاران بود؛ نه صرفاً رسیدن به حق مسلم خویش. فراموش نکنیم که فدک یعنی خلافت. این گونه باید به مسئله بنگریم: فدک تنها قطعه ای زمین نیست. فاطمه زهرا با همین مطالبه فدک، در واقع اساس خلافت غاصبانه را برای همیشه تاریخ زیر سؤال برد.

از این رو وقتی که مالکیت فاطمه زهرا بر فدک را نپذیرفتند و شهادت شهود را نیز قبول نکردند، آن حضرت از راهی دیگر وارد صحنه شد و آن، مطالبه ارث بود. آن حضرت درخواستش را در واقع این گونه

ص: ۳۵

۱- «ان الحسن و الحسين سیدا شباب أهل الجنة» (نک: مسند الامام احمد، ج ۳، ص ۶۲ تا ۶۴ و ۸۲ و ج ۵، ص ۳۹۱ و ۳۹۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۴؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۲۱ و ۳۲۶؛ نسائی، فضائل الصحابه، ص ۳۰ و ۵۸؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۷ و ۳۸۱ و ج ۴، ص ۲۶۸؛ ذخائر العقبی، ص ۹۲).

۲- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۲۴.

مطرح کرد: «گیریم که رسول خدا این زمین را به من نبخشیده است؛ ولی آیا می پذیرید که فدک در اصل ملک شخص پیامبر است؟» این را هیچ کس منکر نشد؛ چون همان طور که گذشت، فدک از جاهایی است که برای آن جنگی واقع نشده است و به حکم قرآن، برگشت آن به شخص رسول خداست. «اگر این چنین است، پس فدک ملک پدر من است و من امروز دختر و تنها [ویراستار ۱] فرزند باقی مانده اویم؛ پس به عنوان ارث به من می رسد.»

خلاصه:

فاطمه زهرا از دو راه حق خویش را مطالبه کرد: ۱. ادعای مالکیت و استمرار آن؛ ۲. مطالبه فدک به عنوان ارث. البته گام دوم را وقتی برداشت که مسیر اول به نتیجه نرسید.

ص: ۳۶



جعل حدیث برای توجیه غضب فدک

« فصل پنجم



حضرت فاطمه پرسشی را این گونه مطرح ساخت: «ای ابوبکر، اگر بمیری، اموالت به چه کسی می رسد؟» گفت: «به فرزندانم.» فرمود: «فرزندان از تو ارث می برند؛ ولی من از پدرم ارث نمی برم؟!» (۱) سخن حضرت فاطمه، استدلالی است قوی. بنا بر قانون ارث، هر فرزندی از پدر خویش ارث می برد و فرزند پیامبر از قانون عمومی ارث بری استثنا نشده است.

پنجره:

غضب کنندگان فدک پس از اعتراض حضرت زهرا، به جعل حدیث روی آوردند. ابوبکر به دختر رسول خدا گفت: «علت ستاندن، حدیثی است که از رسول خدا شنیدم که فرمود: نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لِمَا نُورَثُ مِمَّا تَرَكَنَاهُ فَهُوَ صِدْقَةٌ.» (۲) یعنی ما پیامبران چیزی را به ارث نمی نهم؛ آنچه از ما باقی می ماند، صدقه است و مربوط به عموم مسلمانان.

ص: ۳۹

-
- ۱- نک: مسند احمد، ج ۱، ص ۱۰؛ الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۳۱۴؛ السقیفه و الفدک، ص ۱۰۸؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۱۸؛ کنز العمال، ج ۵، ص ۵۸۵؛ البدایه و النهایه، ج ۵، ص ۳۰۹.
 - ۲- صحیح بخاری، ج ۴، ص ۴۲؛ صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۵۳؛ سرخسی، المبسوط، ج ۱۲، ص ۲۹.

در پاسخ به تمسک به حدیث جعلی یادشده، پاسخ های گوناگونی وجود دارد. ما در اینجا به سه پاسخ بسنده می کنیم:

۱. فدک ارث نبود؛ بلکه نحلّه رسول خدا به فاطمه بود؛ یعنی رسول خدا آن را در دوره خود به فاطمه بخشیده بود و همان زمان در اختیار فاطمه قرار داشت. حاکمان، آن را از فاطمه ستاندند و به خلاف قاعده، خواستار اقامه بینه و آوردن شهود شدند.

هنگامی که آنان شهادت شهود را نپذیرفتند، فاطمه زهرا بحث ارث را پیش کشید تا از این راه به حق خود برسد. او با تکیه بر این جهت، جهل مدعیان خلافت را به حکم مسلم قرآنی و اسلامی ثابت کرد.

پس اصل طلب بینه و درخواست اقامه شهود، بر خلاف قواعد مسلم فقهی است. در فقه ثابت است که ید، اماره ملکیت است و از ذوالید اقامه دلیل نمی خواهند. بلی، اگر کسی ملکیت آن را ادعا کند، باید با آوردن بینه و شهود، ادعای خود را به اثبات برساند. بنابراین، اصل طلب بینه و شهود از فاطمه زهرا، صحیح نبود؛ ولی حضرت برای مماشات و احقاق حق به آن تن داد.

در تفسیر قمی (۱) آمده است که امیرمؤمنان علی به ابوبکر رو کرد و فرمود: «تو می خواهی به خلاف حکم الهی دربارهٔ مسلمانان، دربارهٔ ما داوری کنی؟» گفت: «نه.» حضرت فرمود: «اگر در دست مسلمانان چیزی باشد که به ایشان متعلق است و مالک آن هستند و من ادعای ملکیت آن را بکنم، از چه کسی طلب بینه و اقامهٔ شهود خواهی کرد؟» گفت: «از تو.» فرمود: «در این قضیه که فدک در اختیار فاطمه است، اگر کسی ادعای ملکیت آن را بکند، چه کسی باید اقامهٔ بینه کند؟ آیا آن کس که زمین در اختیار اوست، باید بینه بیاورد یا اینکه مدعی مالکیت که زمین خارج از تصرف اوست، باید گواهی و شهود بیاورد؟» در واقع امیرمؤمنان با طرح این سؤال، او را خلع سلاح کرد.

۲. این حدیث خلاف صریح آیهٔ قرآنی مبنی بر ارث گذاشتن پیامبران است و ما وظیفه داریم حدیث مخالف قرآن را به کنار نهیم. آن ها با جعل این حدیث می خواستند اصل باطلی را پایه ریزی کنند: هیچ پیامبری هیچ مالی را به ارث نمی گذارد و هرچه باشد، صدقه است و از آن خلافت و این اموال برای فقیران خرج خواهد شد! حضرت فاطمه

ص: ۴۱

زهر با استناد قرآنی، این مدعا را باطل اعلام کرد؛ چون این حدیث با منطوق صریح و عمومات قرآنی در تعارض است.

بنابراین طبق قاعده و بر طبق حدیث مسلم، وظیفه، رویگردانی از اینگونه احادیث است: «ما وافق کتاب الله فخذوه و ما خالف فذروه.»^(۱) (به روایاتی که با قرآن موافق است، عمل کنید و آنچه مخالف قرآن است، وانهدید.)

اینجا بود که حضرت فاطمه زهرا نهیب زد: «أترث أباک و لا أترث أبی؟! لقد جئت شیئاً فریباً.»^(۲) (آیا تو از پدرت ارث می‌بری و من نخواهم برد؟ کار بسیار عجیب و زشتی کردی [وبه حکم خدا، نسبتی ناروا زدی].)

آن حضرت برای اثبات جعل حدیث، به آیاتی از قرآن تمسک کرد که مفاد همه آن‌ها ارث بری همه فرزندان از پدرانشان است: آیه «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ»^(۳) (سلیمان از داوود میراث برد.) و آیه: «فَهَبْ

لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَ اجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا»^(۴) (پس از جانب خود ولی [و جانشینی] به من ببخش که از من ارث برد و از خاندان یعقوب [نیز] ارث برد و او را ای پروردگار من، پسندیده

ص: ۴۲

۱- . المقنع، ص ۴۵۸.

۲- . شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۵۱.

۳- . نمل، ۱۶.

۴- . مریم، ۶۵.

گردان.) و آیه: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِي» (۱) (خداوند به شما درباره فرزندانتان سفارش می کند: سهم پسر، چون سهم دو دختر است.)

۳. قسمت اول حدیث، یعنی «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورَثُ» می تواند معنایی داشته باشد که با آنچه آنان در پی آن بودند، مغایرت دارد، که به هیچ وجه به مدعای غاصبان ربطی نخواهد داشت. آن منظور در روایات ما تبیین شده است: میراث اصلی پیامبران، دانش است. یعنی شأن پیامبران این نیست که مال اندوزی کنند و درهم و دینار به ارث گذارند. آنچه از پیامبران به ارث گذاشته می شود،

علم و مسائل معنوی است. صد البته که این تفسیر به این معنا نیست که هیچ پیامبری هیچ ارث مالی به جای نگذارد.

عمده اشکال در روایت ساختگی به قسمت دوم آن برمی گردد: «مَا تَرَكَنَاهُ فَهُوَ صَدَقَةٌ».

اشکال در عبارت «ما ترکناه صدقه» این است که اگر به رفع خوانده شود، مفاد آن این خواهد بود که پیامبر هیچ چیزی از اموال خود را برای بازماندگان خود به ارث نخواهد گذاشت و تمامی آن ها صدقه و متعلق به فقرا خواهد بود. یعنی شأن ایشان از شأن مسلمانان عادی کمتر خواهد

ص: ۴۳

بود! چراکه تمامی مسلمانان جهان اموال خود را گرچه کم باشد، به ارث خواهند نهاد؛ ولی پیامبران این حق را ندارند! این مطلب با عمومات و اطلاقات آیات قرآنی سازگار نیست؛ بنابراین این ادعا که تمام اموال باقی مانده پیامبر صدقه بوده و متعلق به مسلمانان است، دروغی بیش نیست و چون با نص قرآن سازگار نمی باشد مردود است.

مضمون قسمت اول روایت با فهم صحیح مشکلی ندارد. شیخ کلینی در کافی آورده است که حضرت رسول خدا در ضمن حدیثی فرمود: «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يورَثُوا دِينَاراً وَ لَمَّا دِرْهَمًا وَ لَكِنْ وَرَثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَ مِنْهُ أَخَذَ بِحِطِّ وَافِرٍ» (۱) (عالمان وارثان پیامبران اند. پیامبران درهم و دیناری از خود به ارث نمی نهند؛ بلکه دانش را به ارث می نهند و هر کس از آن بهره برد، بهره فراوان برده است.) مقصود این روایت این نیست که اگر پیامبری صد درهم و دینار از خود ارث گذارد، فرزندان وی هیچ حقی در آن نداشته باشند؛ بلکه مقصود این است که میراث اصلی پیامبران دانش است. هر کس از آن بهره برد، بهره فراوان خواهد برد.

پس این روایت در مقام این نیست که بفرماید هیچ پیامبری هیچ ارث مالی از خود به جا نمی گذارد؛ بلکه بیان می کند که مقام و شأن پیامبر الهی اقتضا می کند میراث اصلی به جامانده از وی، میراث علمی و معنوی باشد. این میراث در اختیار همه پیروان او خواهد بود؛ نه اینکه

ص: ۴۴

۱- . کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۵، باب ثواب العالم و المتعلم، حدیث ۱.

بخواهد میراث مالی را نفی کند که به طور طبیعی هر فردی آن را برای خویشان خود به جا می گذارد. این میراث عمومی معنوی با میراث خصوصی مادی ایشان منافات ندارد. پس آن اشکالی که در حدیث جعلی است، بیشتر به قسمت دوم آن برمی گردد. مفاد این قسمت، نفی میراث خصوصی مادی ایشان است.

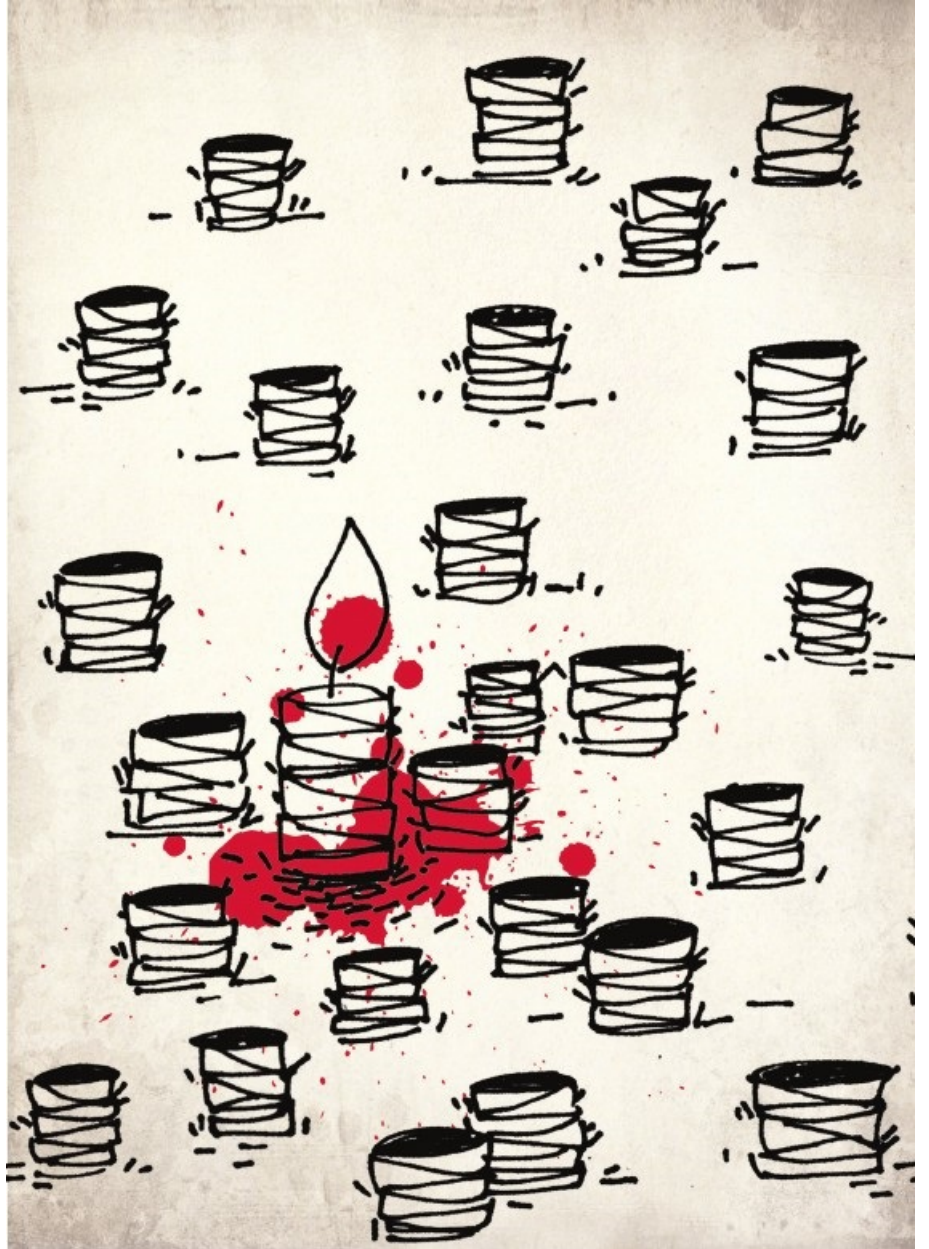
خلاصه:

حدیث «نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورَثُ مَا تَرَكَنَاهُ فَهُوَ صَدَقَةٌ» جعلی است؛ چون با حکم صریح قرآن کریم نمی سازد و هر حدیثی که با قرآن نسازد، درخور اعتماد نیست. فرزندان پیامبر همچون دیگر مردم، در حکم ارث برابرند. اضافه بر آن، تمسک به این حدیث در جای خود نیست؛ چون در واقع فدک را رسول خدا در دوره خود به فاطمه زهرا بخشیده بود؛ نه اینکه پس از وی به عنوان ارث در اختیار وی قرار گیرد.



سرنوشت فدک

« فصل ششم



غاصبان فدك، به بهانه اینکه این ملک از آن مسلمانان است، آن را به زور ستاندند؛ ولی سرانجام، فدك به دست چه کسانی افتاد؟ آیا مستمندان و فقیران از آن بهره بردند؟ آیا در خدمت مصالح عمومی مردم قرار گرفت؟ پاسخ منفی است.

آنان ابتدا آن را به سه قسمت تقسیم کردند: یک سوم آن را در اختیار مروان و ثلث دیگر را در اختیار عمرو بن عثمان قرار دادند و آخرین ثلث را به یزید دادند. (۱) آنان در مرتبه دیگر، همه را به مروان بن حکم دادند.

پنجره:

چگونه است که فدك برای مروان و بنی امیه حلال می شود و برای فاطمه حرام؟ مگر نگفتند که فدك، صدقه است و متعلق به مسلمانان، پس چرا ستمکاران آن را بین خود تقسیم کردند؟! آیا فدك برای فاطمه زهرا نیست و برای بنی امیه و بنی مروان است؟

ص: ۴۹

به هر حال در یک مرحله همه فدک را به مروان بن حکم دادند! بلاذری آورده است که فدک را به علاوه خمس مال آفریقا به مروان بن حکم دادند! (۱) شگفتا، فدک را از دخت رسول خدا ستاندند و به مروان دادند که رانده شده رسول خدا بود. آنجا دیگر نه بخششی از رسول خدا بود و نه ارثی در کار! پس از آن، مروان همه فدک را به فرزندش داد تا آنگاه که نوبت به عمر بن عبدالعزیز رسید. او چون از واقعیت غضب آگاه بوده و چه بسا مصالح خاص سیاسی هم مدنظرش بود، فدک را به حسن مثنی، فرزند امام حسن مجتبی باز گرداند. عمر بن عبدالعزیز اولین کسی است که فدک را به نوادگان فاطمه زهرا برگرداند. (۲)

پس از آن، داستان غضب فدک و بازپس دادن آن چندین بار تکرار شد تا دوره هارون الرشید رسید و آن گفت و گوی حساس بین امام کاظم و هارون الرشید درباره تعیین حد و مرز فدک واقع شد. (۳) این گفت و گو در ادامه خواهد آمد.

مأمون عباسی خود دانشمند بود و اهل مطالعه. او گرچه ستمکار و غاصب بود، ولی اهل فهم و اندیشه و برخوردار از شم سیاسی بود. او با انگیزه شکستن ابهت امام رضا مجالس علمی ترتیب

می داد؛ ولی تمامی این مجالس به نفع امام رضا تمام شد.

ص: ۵۰

۱- . انساب الأشراف، ج ۵، ص ۲۵.

۲- . یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۳۹.

۳- . المناقب، ج ۳، ص ۴۳۵.

در یکی از این مجالس، حضرت امام رضا فرمود: «وقتی آیهٔ (و آت ذا القربی حقه)» (۱) نازل شد، رسول خدا فرمود: «فاطمه را فرا خوانید که به نزد من بیاید.» فاطمه زهرا را فرا خواندند. آن حضرت آمد. رسول خدا فرمود: «ای فاطمه.» فرمود: «بله.» رسول خدا گفت: «این فدک از جاهایی است که برای تصرف آن هیچ جنگی درنگرفته است. فدک متعلق به شخص من است و مسلمانان در آن هیچ حقی ندارند. من آن را برای تو و فرزندان تو قرار دادم.» (۲)

پس از آن مأمون عباسی دانشمندان را جمع کرد و پرسید: «آیا شما شهادت علی بن ابی طالب و حسنین بر ادعای فاطمه را می پذیرید؟» گفتند: «آری.» پرسید: «آیا سخن و شهادت ام ایمن را که به شهادت رسول خدا زن بهشتی است، قبول دارید؟» گفتند: «آری.» گفت: «با این همه، آیا باز تردیدی دربارهٔ مالکیت فاطمه به خود راه می دهید؟» گفتند: «نه.» آنجا بود که مأمون پس از گرفتن اقرار از ایشان، دستور داد که فدک را به فرزندان فاطمه باز گردانند. (۳)

ص: ۵۱

۱- . اسراء، ۲۶.

۲- . عیون اخبار الرضا، ص ۲۳۳.

۳- . تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۶۹.

فدك را به بهانه اینکه صدقه و ملك عمومى مسلمانان است، از فاطمه زهرا به زور ستانند؛ ولى بعدها در اختيار مروان و يزيد و بنى اميه و بنى مروان قرار دادند. شگفتا، فدك براى فاطمه و فرزندانش حرام است ولى براى مروان و بنى مروان و بنى اميه حلال؟

اولين كسى كه فدك را به فرزندان فاطمه پس داد، عمر بن عبدالعزيز بود. پس از وي نيز بارها فدك غصب شده و پس داده شد. مأمون عباسى نيز با گرفتن اقرار از علما و فقهاى دوران خویش، فدك را باز گرداند.



خطبه فدکيه و راز تکیه بر فدک

« فصل هفتم



خطبه فدکیه حضرت فاطمه زهرا در بردارنده اصول معرفتی و عقیدتی اسلامی است. این خطبه با نگاهی ژرف به مسائل گوناگون فقهی و تاریخی و جامعه شناسی و با تکیه بر منطق قرآنی و عقلی و تاریخی و با نهایت استواری و دلیری، شیوا و رسا ایراد شد. جا دارد میلیون ها نسخه از آن، در زبان های زنده جهان منتشر شده و کتاب ها در شرح آن نگاشته شود. اگر هیچ سخنی از آن بانوی اول بشریت، جز این خطبه نداشتیم، برای شناخت و معرفی آن بزرگوار سندی بس قوی بود.

خطبه فدکیه، سخنان حضرت فاطمه زهرا با زنان مهاجر، مبارزه منفی مستمر آن حضرت، قهر و سخن نگفتن ایشان با ستمگران، گریه پیوسته او، ساخت بیت الاحزان در بقیع، ابراز ناخشنودی از غاصبان با وصیت به غسل و کفن و دفن شبانه، مخفی نگاه داشتن محل قبر او، همه برای رساندن پیام آن مظلومه عالم است. به یقین اگر آن جرقه ای که فاطمه زهرا زد، نمی بود، سیاست حاکم و قلم به مزدان مزدور، تمامی آثار جنایت را پاک کرده بودند و وقایع مسلم را وارونه به خورد مردم داده بودند.

از اینجا معلوم می شود که زنده نگاه داشتن ایام فاطمیه از چه اهمیت

والایی برخوردار است. این گونه، فاطمه چراغ هدایت را برای همیشه تاریخ روشن کرد. این روشنگری اوست که با عملکرد و موضع گیری تاریخی خود، و با ایجاد سؤال در ذهن پژوهشگران و اندیشوران و مردم، آنان را به بازخوانی و واکاوی این جریان مهم تاریخی فرا می خواند. فدک فراتر از تکه ای زمین است.

اضافه بر این، چندین مطلب دیگر نیز در این زمینه درخور توجه است: اینکه خانمی بزرگوار برای احقاق حق خویش برخیزد و یک تنه در برابر حاکمان قد علم کند و آنان را به چالش اندازد، نفس این کار مایه افتخار همه مسلمانان است. آن حضرت خطبه ای رسا و شیوا را در نهایت شیوایی و رسایی ایراد کرد که در بردارنده مضامین والای معارف دین، چون توحید و نبوت و امامت و فلسفه احکام و مسائل جامعه شناسی و سیاسی روز است. تمام این ها دنباله فدک است. بنابراین فدک عنوانی است برای بسیاری از مسائل دیگر. تکیه بر فدک یعنی راه تشخیص حق از باطل. فدک آینه تمام نمای ولایت است. غصب فدک یعنی غصب خلافت و ایجاد فشار مالی و اقتصادی بر خاندان عترت و طهارت.

شاهد بر این سخن که فدک در واقع آینه امامت غصب شده است، گفت و گویی است که بین هارون الرشید و امام کاظم درباره حد و مرز فدک واقع شده و تاریخ، آن را نقل کرده است.

ابن شهر آشوب نقل می کند که روزی هارون به حضرت امام موسی کاظم گفت: «محدوده فدک را معین کن تا آن را باز گردانم.» آنان خودشان به خوبی می دانستند که در این قضیه به فاطمه زهرا و فرزندان ستمی آشکار شده است. حضرت فرمود: «اگر معین کنم، نخواهید داد.» گفت: «خیر، خواهم داد.»

حضرت مرزبندی آن را به گونه ای معین ساخت که گستره تمام حکومت پهناور اسلامی آن روز را فرا می گرفت. فرمود: «یک حد آن عدن [در یمن] است؛ یک سمت آن به سمرقند می رسد؛ سمت سوم آن به آفریقا می رسد؛ سمت آخر آن به ارمینیا.» رنگ چهره هارون دگرگون و سیاه شد؛ به گونه ای که غضب کرد و گفت: «دیگر جایی برایم باقی نمی ماند. پس برخیز و بر جای من بنشین!» (۱) حضرت امام موسی بن جعفر نقشه جغرافیایی مملکت پهناور خلافت اسلامی دوره هارون عباسی را کشید و فرمود: «این، حد فدک است. دیدی گفتم اگر حد آن را معین کنم، نمی دهی؟!»

البته می دانیم که فدک بخشیده شده به فاطمه زهرا این وسعت

ص: ۵۷

را نداشت. پس منظور امام از این مرزگذاری چیست؟ مقصود همان است که عرض شد: فدک یعنی آینه تمام نمای امامت و خلافت حقه. فدک یعنی خلافت غصب شده. پس از این گفت و گو بود که هارون کینه امام را بیشتر به دل گرفته و تصمیم به قتل امام گرفت. (۱)

این روایت به خوبی روشن می سازد که فدک چیست؟ و علت تکیه بر فدک کدام است؟ فدک یعنی سند حقانیت امامت راستین و بطلان جریان مقابل. پس مطالبه فدک یعنی مطالبه خلافت و حکومت غصب شده و به چالش کشاندن کرسی نشینان و اثبات اینکه باید این مسند در اختیار اهلش باشد و بس.

و این، راز تکیه بر جریان فدک است؛ و گرنه خود فدک که برای آن بزرگان چیزی به حساب نمی آید. در نامه ۴۵ نهج البلاغه، حضرت امیر مؤمنان علی خطاب به استاندار خویش، عثمان بن حنیف، نوشته است: «ما زیر این آسمان کبود، فدکی داشتیم که اینان تاب نداشتند در اختیارمان باشد.» عبارت حضرت این است:

بَلَى كَانَتْ فِي أَيْدِينَا فَدَكٌ مِنْ كُلِّ مَا أَظْلَمَتْهُ السَّمَاءُ فَسَحَّتْ عَلَيْهَا نُفُوسُ قَوْمٍ وَ سَخَتْ عَنْهَا نُفُوسُ قَوْمٍ آخِرِينَ وَ نِعَمَ الْحَكْمِ اللَّهُ وَ مَا أَضْنَعُ بِفَدَكٍ وَ غَيْرِ فَدَكٍ وَ النَّفْسُ مَظَانُّهَا فِي عَدِ جَدْتٍ تَنْقَطِعُ فِي ظِلْمَتِهِ آثَارُهَا وَ تَغِيبُ أَخْبَارُهَا وَ حُفْرَةٌ لَوْ زِيدَ فِي فَسْحَتِهَا وَ أَوْسَعَتْ يَدَا حَافِرِهَا لَأَضْغَطَهَا الْحَجَرُ وَ الْمَدْرُ وَ سَدَّ

ص: ۵۸

آری، از میان آنچه آسمان بر آن سایه افکنده است، تنها فدک در اختیار ما بود که گروهی بر آن هم بخل و حسادت ورزیدند و گروه دیگری آن را سخاوتمندانه رها کردند [و از دست ما خارج شد]. بهترین حاکم خداست. مرا با «فدک» و غیرفدک چه کار، درحالی که جایگاه فردای هر کس قبر اوست که در تاریکی آن، آثارش محو و اخبارش ناپدید می شود؟ قبر حفره ای است که هرچه بر وسعت آن افزوده شود و دست حفرکننده بازتر باشد، سرانجام، سنگ و کلوخ آن را پر کرده و جاهای خالی آن را خاک های انباشته مسدود می کند.

خلاصه:

خطبه فدکیه حضرت فاطمه زهرا دربردارنده اصول معرفتی و عقیدتی اسلامی است. این خطبه با نگاهی ژرف به مسائل گوناگون فقهی و تاریخی و جامعه شناسی و با تکیه بر منطق قرآنی و عقلی و تاریخی و با نهایت استواری و دلیری، شیوا و رسا ایراد شده است.

ص: ۵۹

۱. فدک طبق آیه شریفه (۱) و براساس اقرار علمای مسلمان، فیء بوده و به شخص رسول خدا تعلق داشته است؛ چون مسلمانان برای به دست آوردن آن زحمتی به جان نخریده و جنگی نکرده بودند، فدک جزء غنائم به شمار نمی رفت.

۲. پیامبر اسلام، به دستور خداوند، فدک را به فاطمه زهرا بخشید. شیعه و بزرگانی از اهل سنت، مثل فخر رازی و زمخشری و سیوطی، این مطلب را ذیل آیه شریفه «وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ» (۲) آورده اند. این سرزمین همان زمان در اختیار فاطمه زهرا قرار گرفت.

۳. پس از غصب خلافت، به منظور از بین بردن منبع مالی امامت حقه و ایجاد فشار اقتصادی بر خاندان رسالت، فدک را غصب کردند.

۴. فاطمه زهرا برای دادخواهی و مبارزه با ظلم به پا خاست و مسیر خود را از دو راه پیمود: راه اول: استمرار مالکیت؛ راه دوم: مطالبه ارث.

۵. پس از غصب فدک و جواب مثبت ندادن به برهان قوی، فاطمه

ص: ۶۰

۱- «وَ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَ لَا رِكَابٍ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَسْلُطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (حشر، ۶) (آنچه خدا از دارایی شان (یهودیان) به پیامبر خود غنیمت داد، آن نبود که شما با اسب یا شتری بر آن تاخته بودید؛ بلکه خدا پیامبران را بر هر که بخواهد، مسلط می سازد و خدا بر هر چیزی قادر است).

۲- . اسراء، ۲۶.

زهر را مبارزه منفی پیوسته ای را در قالب قهر و خشم آغاز کرد. این مبارزه تا دم مرگ آن حضرت ادامه پیدا کرد. آن حضرت دیگر با حاکمان سخنی نگفت. مسلم و بخاری نقل کرده اند: «فوجدت فاطمه علی ابی بکر فلم تکلمه حتی توفیت.» (۱) (فاطمه بر ابوبکر خشم گرفت و تا دم مرگ با وی سخنی نگفت).

۶. وصیت عجیب فاطمه به غسل و کفن و دفن شبانه و رضایت ندادن آن حضرت به حضور حاکمان در تشییع پیکرش و نماز بر آن، پیامی بزرگ و رسا برای همیشه تاریخ دارد. مخفی ماندن قبر فاطمه استمرار قهر و خشم وی است. آنان به بهانه خواندن نماز بر آن، می خواستند این سلاح بران فاطمه را کُند سازند. در آنجا خشم و غضب امیرمؤمنان علی بن ابی طالب مانع شد. این مخفی ماندن قبر فاطمه ادامه پیدا خواهد کرد تا ذهن حقیقت جویان را به گونه ای به خود مشغول سازد که به واقعیت برسند.

۷. بی تردید اگر جریان فاطمه زهرا بدون هیچ تعصبی، خوب واکاوی و شکافته شود، مسیر حق از باطل جدا و شناخته می شود و جویندگان حق، مسیر صحیح را خواهند یافت.

ص: ۶۱

مجموعه یک صد جلدی کتابچه های رهنما



مرکز پخش : مشهد مقدس، حرم مطهر، نبش باب الجواد علیه السلام، فروشگاه عرضه محصولات رضوی
تلفن : ۰۵۱۱-۲۲۸۵۲۰۴

لوح فشرده کتابچه‌های رهنما (نسخه ۲)



مرکز پخش : مشهد مقدس، حرم مطهر، نیش باب الجواد علیه السلام، فروشگاه عرضه محصولات رضوی
تلفن : ۰۵۱۱-۲۲۸۵۲۰۴

نسخه ویژه تلفن همراه کتابچه‌های رهنما (نسخه ۲)



محل دریافت:

- حرم مطهر، مرکز پاسخگویی به سوالات دینی استان قدس رضوی (مدرسه پرزاد)
- وب‌کیوسک‌های مستقر در حرم مطهر

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

